

چگونه توانستیم اختلال خواندن و نوشتن دانش آموز دارای مشکلات ویژه یادگیری

را به صورت پایدار تقویت کنیم؟

مریم میرکبیر^۱، سمیه لاری دارابی^۲

^۱دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه ساری

اداره آموزش و پرورش شهرستان علی آباد کتول، آموزشگاه پسرانه شهید پقه

Mirkabir6297@gmail.com

۰۹۱۱۹۶۴۶۲۹۷

^۲دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه ساری

دانشگاه جامع علمی - کاربردی استان مازندران

somayeh.lari.darabi@gmail.com

۰۹۱۱۲۵۱۱۱۴۳

چکیده:

اختلال یا ناتوانی یک نوع نارسایی شناختی در یک یا چند فرایند ذهنی در زمینه ی درک صحیح زبان گفتاری، نوشتاری، شنیداری، خواندن و ... است. از اساسی ترین مشکلاتی که کودکان با نارسایی های ویژه با آن روبه رو هستند، ناتوانی در خواندن و نوشتن است. در آزمون های ورودی ابتدای سال تحصیلی از دانش آموزان متوجه وضعیت نامطلوب محمد دانش آموز کلاس پنجم در مهارت خواندن و نوشتن شدیم؛ پس تصمیم به رفع این چالش با استفاده از روش اقدام پژوهی گرفتیم، از این رو به جمع آوری اطلاعات به روش های مشاهده رفتار دانش آموز، مصاحبه با اولیا، معلمان سال های گذشته و جویا شدن از وضعیت روحی و آموزشی دانش آموز، استفاده از اسناد، مانند بررسی پوشه کار سال گذشته دانش آموز و... پرداختیم. عواملی از جمله دو زبانه بودن دانش آموز، عدم برخورداری از حداقل امکانات آموزش مجازی (گوشی هوشمند)، عدم توجه معلمان در سال های گذشته به تفاوت های فردی دانش آموز، دیرآموز بودن دانش آموز، اختلال در حافظه دیداری و شنیداری، عدم برنامه ریزی مستمر برای رفع این چالش، عدم اعتماد به نفس و بی انگیزگی برای تحصیل از عوامل بروز اختلال یادگیری این دانش آموز بود. پژوهش پیش رو از نوع کیفی - توصیفی با تکیه بر مشاهده میدانی می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که آموزش مستقیم آگاهی واجی (با استفاده از بازی درمانی)، استفاده از روش های متنوع و سعه صدر معلم در آموزش، به صورت انفرادی در افزایش مهارت خواندن و نوشتن دانش آموز تاثیر مثبت دارد و این یادگیری در طول زمان با برنامه ریزی مدون و مستمر و در نظر گرفتن تفاوت های فردی، پایدار می ماند. همچنین استفاده از توانمندسازی و تشویق معلمان، استفاده از ابزار آموزشی مناسب (بصری و سمعی)، تعامل و ارتباط هر چه بیشتر بین مدرسه و خانواده، استفاده از نظرات مشاوران مرکز اختلالات یادگیری را نیز می توان در جهت بهبود بخشیدن اختلال این نوع دانش آموزان به کار گرفت. در پایان، مشاهده عملکرد دانش آموز نشان داد: فراوانی اشتباه در تشخیص حروف موقع نوشتن و ترکیب کلمات موقع خواندن به حداقل رسید و از تحلیل داده های به دست آمده در نرم افزار SPSS با سطح خطای ۵٪ مشخص شد، بین میانگین خطاها قبل و بعد از آموزش پایدار، تفاوت معناداری وجود دارد و دانش آموز در برنامه تدوین شده به اهداف از پیش تعیین شده (بهبود مهارت خواندن و نوشتن) دست یافت.

واژگان کلیدی: خواندن و نوشتن، دانش آموز، یادگیری، معلمان

۱- مقدمه : (مقدمه، بیان مسئله، ضرورت، بیان اهداف، سوالات پژوهش، پیشینه پژوهش)

گهگاه دانش آموزانی در کلاس درس هستند، که با وجود اینکه تدریس معلم برای همه کلاس یکسان بوده است در یک یا چند درس از دیگر شاگردان کلاس عقب افتادند. این گونه دانش آموزان که در یادگیری با چالش‌هایی روبرو هستند در یک یا چند فرایند روانشناختی پایه مربوط به درک، حافظه، دقت و توجه زبان یا کاربرد آن (خواندن و نوشتن) دچار ناتوانی می‌باشند. بنابراین نیازمند توجه و یاری بیشتر هستند. اکثر این بچه‌ها دچار استرس و اضطراب ناشی از فشار والدین و معلمین برای یادگیری بیشتر دروس می‌باشند و آسیب‌های روحی زیادی سلامت روان آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد. اختلال در خواندن و نوشتن اختلالی است که اگر به موقع تشخیص داده شود و برای رفع آن برنامه ریزی‌های مستمری صورت گیرد، فرد را از آسیب‌های شدید روحی و روانی که در سال‌های آینده ممکن است به آن دچار شود، در امان نگه می‌دارد. بنابراین آگاهی والدین یا معلمان از این اختلال و عوامل بروز و رفع آن ضروری است. خانواده‌های این دانش آموزان انتظار دارند تلاش‌هایی از طرف متولیان آموزش و پرورش برای فرزندان آنان صورت گیرد تا به مراحل اصلی پیشرفت تحصیلی دست یابند. عدم تشخیص به موقع اختلال یادگیری سبب افت تحصیلی بیشتر دانش آموز می‌شود و زمینه را برای بروز اختلالات دیگر همچون اختلالات رفتاری، اضطراب، پرخاشگری، فرار از مدرسه و نداشتن رغبت به درس خواندن و نهایتاً ترک تحصیل را فراهم می‌کند. برای فردی که ترک تحصیل کرده چشم انداز خوبی وجود ندارد و جامعه باید بار دیگر برای او هزینه کند، زیرا احتمالش زیاد است که در فعالیت‌های مجرمانه شرکت کند و بار سنگینی بر دوش نظام حقوقی بگذارد و به خدمات اجتماعی پرهزینه‌ای نیازمند شود. در دنیای کنونی برقراری ارتباط برای اجتماعی شدن و ابراز وجود کردن با استفاده از دانش نوشتاری و گفتاری رخ می‌دهد، که این دانش (حداقل خواندن و نوشتن متن‌های ساده) در پایه اول ابتدایی حاصل شده و در پایه‌های بالاتر تثبیت می‌شود و چنانچه دانش آموزی این مهارت را در مقطع ابتدایی به خوبی فرا نگیرد، احساس دور ماندن از جامعه برای او آزاردهنده خواهد بود. بعدها در بزرگسالی با افرادی مواجه می‌شویم که به گفته پائولوفریر (از برجسته‌ترین پژوهشگران در زمینه سواد) از درک دنیای پیرامون خود عاجز می‌مانند. این یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که اگر برای رفع آن برنامه ریزی مناسبی صورت نگیرد ریشه دار شده و رشد می‌کند.

بیان مسئله:

مهمترین گام در فرایند آموزش، خواندن و درک کردن است. خواندن یک مرحله کم اهمیت از آموزش نوشتن نیست که دانش آموز برای به دست آوردن این توانایی صرفاً به حرف خوانی یا آوا خوانی بپردازد، بلکه فعالیتی نظام دار است و برای کسب این مهارت مراحل مشخصی وجود دارد که الزامی است هر فرد آن را بیاموزد. زیرا خواندن آن به شیوه‌ای درست زمینه‌ی فهم و درک مطلب و افزایش دانش بشری را فراهم می‌کند. خواندن نوعی مهارت ابزاری است ما از این مهارت ابزاری به عنوان وسیله‌ای برای انجام کارهای دیگر استفاده می‌کنیم. در واقع خواندن وسیله‌ای اساسی و پایه موفقیت برای مواد درسی دیگر (املاء، علوم، ریاضی و ...) می‌باشد و شکست در برنامه‌های تحصیلی تا حد زیادی به سبب بی‌کفایتی مهارت‌های خواندن رخ می‌دهد. با توسعه روز افزون تکنولوژی و صنایع پیشرفته و خودکار تقاضا برای نیروی انسانی ورزیده و ماهر روز به روز بیشتر می‌شود و در این راه خواندن یک وسیله کلیدی در جهت تحصیل مهارت‌های شغلی است. بسیاری از رنج‌های اجتماعی ما به ناتوانایی‌های خواندن مربوط بوده است. چه بسا خیل بیکاران، ترک تحصیل کنندگان، بزهکاران نوجوان و تبهکاران که ریشه انحراف و شکست اجتماعی‌شان را باید در نارسایی‌ها و ضعف خواندن جستجو کرد و حتی اگر بگوییم درصد بالایی از فقر برنامه‌های آموزش و پرورش و کندی جریان بارآوری و مهارت بخشی فراگیران نیز مربوط به خواندن است سخنی به گزاف نگفتیم. از طرفی مهارت‌های زبانی در گوش دادن و خواندن در واقع پیش‌نیازی برای نوشتن محسوب می‌شود. بنابراین خواندن و نوشتن در دنیای امروز، مهارتی ضروری، اساسی و رفتاری اکتسابی است که شکل‌گیری این مهارت در مقطع ابتدایی صورت می‌گیرد. از این رو اختلال یادگیری در حوزه‌ی خواندن و نوشتن در مقطع ابتدایی یکی از دغدغه‌هایی است که آموزش و پرورش، مدارس، معلمان و متصدیان تعلیم و تربیت با آن مواجهه هستند. طی تحقیقاتی میزان شیوع اختلال خواندن در

دانش آموزان مناطق روستایی را ۱۰/۸ درصد و در مناطق شهری ۹/۴ درصد، در دانش آموزان پسر ۹ درصد و در دانش آموزان دختر ۳/۲ درصد برآورد کردند و دریافتند که شیوع اختلال خواندن در دانش آموزان پسر ۳ تا ۴ برابر بیشتر از دانش آموزان دختر است. این اختلال در دانش آموزان مناطق کمتر توسعه یافته و محروم بیشتر از مناطق مرفه شهر گزارش می شود. بالاترین میزان شیوع اختلال خواندن در حدود ۱۲ درصد در دانش آموزان دوم ابتدایی و پایین ترین میزان شیوع را در دانش آموزان پایه پنجم حدود ۳ درصد گزارش نمودند. نکته ای که نظرم را در این تحقیق جلب کرد: میزان شیوع اختلال خواندن در دبستان های تک زبانه (فارسی زبان) ۳،۵ درصد و دبستان های دوزبانه (ترکی، ترکمنی، بلوچی و...) ۶،۷ درصد بود. (کلانتری و بدیعیان، ۱۳۸۱) با اندک دانش و تجربه ای که در سنوات گذشته از اختلالات یادگیری از طریق مصاحبه با همکاران در مرکز توانبخشی و کار با دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در حوزه خواندن و نوشتن کسب کرده بودم، و ارزیابی آزمون های ورودی از عملکرد (خواندن و نوشتن) دانش آموزان کلاس پنجم دبستان شهید منصور پقه متوجه دانش آموزی شدیم که از مهارت خواندن و نوشتن محروم بوده و حتی قادر به شناسایی برخی از حروف الفبای فارسی هم نیست. از آنجایی که مهارت خواندن و نوشتن در تمام دروس مورد نیاز می باشد و این دانش آموز از این مهارت بی بهره مانده بود، لذا پیشرفت قابل توجهی در سایر دروس نیز برای این دانش آموزان اتفاق نمی افتاد، همچنین مشکلاتی که در بزرگسالی (آینده) به جهت ناتوانی در کسب این مهارت پیش روی این دانش آموز قرار داشت، اهمیت این مسئله را بیشتر نمایان می کرد. با توجه به دو زبانه بودن دانش آموز هدف و آمارهای مربوط به اختلال یادگیری به خصوص در مناطق روستایی توجه هرچه بیشتر به این مسئله با برنامه ریزی های علمی و عملی مستمر و... ضرورت رفع این چالش را می رساند. پس روی این موضوع حساس شدیم و به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداختیم تا به بررسی عوامل بروز این مشکل و راهکارهای علمی و عملی برای رسیدن به وضعیت مطلوب که همان دستیابی این دانش آموز به سطح قابل قبولی در خواندن و نوشتن بود برسیم.

ضرورت پژوهش:

با توجه به وضع کنونی آموزش، خواندن از مهم ترین فعالیت ها و دغدغه های آموزگاران در مدارس است. اهمیت این موضوع به حدی است که تسلط یافتن بر این مهارت و به کار گیری آن را می توان متضمن اغلب موفقیت های تحصیلی و علمی دانش آموزان دانست. چون مهارت خواندن در تمام دروس مورد نیاز است و این مهارت در سال های ابتدایی شروع مدرسه برای این دانش آموز حاصل نشده بود، در سایر دروس مثل علوم، املاء، قرآن و ... نیز مشکل داشت و این اختلال باعث عقب ماندن وی از سایر همسالانش شده و عوامل سرخوردگی، عدم اعتماد به نفس، عدم رغبت به درس خواندن و نهایتاً ترک تحصیل را فراهم می کرد که نتیجه ای جزء از دست دادن زمان با ارزش یادگیری برای همیشه و تداوم این اختلال در طول زندگی برای او حاصل نمی شد، این موضوع قطعاً بر کسب موفقیت در زندگی و شغل در سنین بزرگسالی تأثیر می گذاشت. همچنین آینده خوبی برای وی در جامعه پیش بینی نمی شد و احتمال شرکت در بزهکاری ها و فعالیت های مجرمانه دور از انتظار نبود، که این امر هزینه های سنگینی برای اجتماع به بار می آورد. پس اهمیت و ضرورت این موضوع مرا به پژوهش و تحقیق در این زمینه برانگیخت.

اهداف پژوهش:

- ۱) شناسایی علل و عواملی که در افت تحصیلی و عقب ماندگی دانش آموز مورد نظر مؤثر بوده و تلاش و کوشش جهت حل مشکلات این دانش آموز
- ۲) بررسی روش های مفید جهت تقویت مهارت خواندن و نوشتن و رفع اختلال ایجاد شده
- ۳) توجه به دانش آموز مورد نظر و تعامل هر چه بیشتر اولیاء و مدرسه جهت رفع مشکل و جلوگیری از عواقب این اختلال آموزشی
- ۴) تشویق و کمک به دانش آموز جهت ایجاد اعتماد به نفس و افزایش حس مسئولیت پذیری و مشارکت در کارهای گروهی

سوالات پژوهش:

- ۱) چه علل و عواملی در به وجود آمدن اختلال آموزشی این دانش آموز تأثیر داشته است؟
- ۲) از چه روش‌هایی جهت تقویت مهارت خواندن و نوشتن برای این دانش آموز استفاده کنیم؟
- ۳) جو حاکم بر خانواده و تعامل اولیاء با مدرسه تا چه اندازه بر حل مشکل دانش آموز تأثیر دارد؟
- ۴) تشویق و ترغیب معلم تا چه اندازه بر اعتماد به نفس و عملکرد دانش آموز تأثیر می‌گذارد؟

پیشینه پژوهش:

تحقیقی که توسط محمود قاسمیان و فریبا بهال‌دینی گوغری، با عنوان بررسی عوامل مرتبط با مشکلات آموزشی دانش آموزان دیرآموز در شهرستان سیرجان انجام گرفت مشخص گردید که دوره آموزشی ترمیمی که برای دانش آموزان مرزی در نظر گرفته شده بود در همه حیطه‌ها باعث پیشرفت شده و عملکرد دانش آموزان را بالاتر برده است.

در پژوهشی دیگر که با عنوان بررسی چالش‌های آموزشی دانش آموزان دیرآموز توسط زهرا کائیدی (۱۳۹۷) انجام گرفت، یافته‌ها نشان داد در آموزش کودکان دیرآموز همواره باید سه اصل درگیری والدین، آموزش فردی شده و ارزشیابی دوره‌ای را مد نظر داشت و به مسائل آموزشی باید در سطح بکار بسته و عینی برای دانش آموزان تدریس شود.

نتایج پژوهش علی اکبر زارع مقدم، در شهر نیشابور با عنوان مقایسه آموزش کودکان دارای ناتوانی یادگیری با کودکان دیرآموز نشان داد بین مدت زمان آموزش و میزان یادگیری این کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

طی تحقیقی که توسط فرزاد طباطبایی با عنوان برخورد و آموزش کودک دیرآموز انجام شد نشان داد نداشتن فعالیت‌های محرک، تخصص ناکافی معلم در شیوه‌های آموزشی پایه و زمان محدود تدریس از جمله عوامل محیطی مؤثر در اختلال یادگیری این کودکان می‌باشد.

فرید (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان اثر بخشی تمرین‌های ادراکی - حرکتی بر درمان اختلال خواندن و نوشتن دانش آموزان عنوان کرد تمرین‌های ویژه ادراکی - حرکتی تأثیر مثبتی بر روند پیشرفت تحصیلی خواندن و نوشتن دارد.

نتایج پژوهش فریبرز درتاج و سهیلا عاصمی در سال ۱۳۹۰ در کرمان نشان داد که برنامه منتخب حرکتی (تعادل پویا، تعادل ایستا، سرعت عمل، هماهنگی، دقت و قدرت) بر توانمندی ادراکی - حرکتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دیرآموز پایه دوم تأثیر مثبت داشته است.

در پژوهشی، صمدی (۱۳۸۶) پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و شایستگی را در دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در مدارس ویژه و کلاس‌های ویژه مدارس عادی استان اصفهان مقایسه کرد. نتایج نشان داد که دانش آموزان مورد نظر در کلاس‌های ویژه مدارس عادی از سازگاری اجتماعی بهتری نسبت به دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در مدارس ویژه (استثنایی) برخوردارند.

۲- توصیف وضع موجود:

در اوایل مهر ماه جهت بررسی وضعیت تحصیلی دانش آموزان کلاس آموزی (مداد کاغذی) را برگزار کردم و دریافتیم یکی از دانش آموزان کلاس (محمد) توانایی خواندن و نوشتن را ندارد و حتی قادر به تشخیص حروف الفبا هم نیست. وجود دانش آموزی دارای اختلال یادگیری آن هم به این شدت در پایه پنجم که جزء پایه‌های پایانی مقطع ابتدایی می‌باشد بسیار نگران کننده و قابل تأمل بود. پس به فکر افتادم بر اساس تعهد حرفه‌ای، اخلاقی، وجدانی چاره‌ای بیندیشم که مشکل اختلال خواندن و نوشتن این دانش آموز را با برنامه ریزی مستمر در این سال تحصیلی رفع کرده و مهارت خواندن و نوشتن را در وی به صورت پایدار تقویت کنم.

۳- شواهد (۱) :

برای گردآوری اطلاعات از روش ترکیبی (آمیخته) هم شاخص های کمی (بررسی نتایج داده های آزمون های تشخیصی، داده های پرونده ی تحصیلی دانش آموز، پوشه کار سال گذشته) و هم شاخص های کیفی (مصاحبه به صورت حضوری و تلفنی، مشاهده، مشاهده مشارکتی) استفاده شد. در ابتدای امر پرونده تحصیلی دانش آموز و نتیجه سنجش بدو ورود او را مورد مطالعه قرار داده و دریافتیم دانش آموز هدف جزء دانش آموزان دیرآموز (آهسته گام) می باشد. پرونده تحصیلی او نشان می داد تکرار پایه نشده و تقریباً همه دروس را در پایه های پایین تر با سنجه قابل قبول پشت سر گذاشته و به کلاس بالاتر ارتقاء داده شده بود. از طرفی تحصیل این دانش آموز در پایه های دوم (۹۹-۹۸) و سوم (۴۰-۹۹) که تثبیت سواد در آن رخ می دهد، مصادف با شیوع کرونا بوده (آموزش نیمه حضوری و مجازی) و یاد گیری به صورت پایدار برای این دانش آموز حاصل نشده بود. نکته دیگری که از مطالعه پرونده تحصیلی او کسب کردم، این بود که محمد در پایه اول، دوم و چهارم تحت آموزش معلمی واحد قرار داشته و فقط در پایه سوم آموزش توسط معلم دیگری را تجربه کرده بود. در گام بعد وضعیت حضور محمد در دوره پیش دبستانی را بررسی کردم، مشخص شد او این دوره را نگذرانده است. از مشاهده پوشه کار سال گذشته او نیز مشخص شد تمام آزمون های مداد کاغذی و عملکردی فارسی را نیاز به تلاش شده است و با اطلاعاتی که از مدیر و معلم سال گذشته محمد کسب کردم، دریافتیم اقدامات اولیه جبران و تثبیت یادگیری در سال گذشته برای این دانش آموز انجام شده اما به دلیل محدودیت زمانی و عدم استمرار (دوره تثبیت) منجر به یادگیری پایدار و درونی نشده است. خانواده او به هیچ عنوان پیگیر مسائل آموزشی و درس این دانش آموز نبوده اند و همکاری و تعامل لازم را با مدرسه نداشتند. به طوری که مدیر اسبق اذعان داشت، اولیاء او را در سال تحصیلی گذشته رؤیت نکرده است. در جلسه فراگیر که اول سال تحصیلی جدید برگزار کردم، نیز اولیاء او حضور نداشتند.

ملاقات و مصاحبه با خانواده دانش آموز :

برای بررسی بیشتر و دقیق تر مشکلات این دانش آموز طی چند جلسه مصاحبه با اولیاء او دریافتیم، پدر و مادر محمد با هم نسبت فAMILIARY داشتند و از لحاظ اقتصادی خانواده ای نسبتاً محروم و از دهک های پایین جامعه محسوب می شدند. از نظر فرهنگی پدر و مادرش کم سواد بودند و نمی توانستند از لحاظ آموزشی او را همراهی کنند. مادرش در دوران بارداری او، قرص (لوزارتان) تنظیم کننده فشارخون مصرف می کرده و به همین علت مجبور به زایمان زود رس (هفت ماهگی) می شود و نوزاد به مدت دو ماه تحت مراقبت های ویژه در بیمارستان بستری می شود. پرونده سلامت و کارت مراقبت که توسط مرکز بهداشت تکمیل شده نشان می داد رشد این کودک در دوران کودکی کندتر از همسالانش بوده و در حال حاضر نیز از نظر جسمی کوچکتر از آنان به نظر می رسید. مادر محمد پنج سال پیش با افزایش فشار خون دچار سکته مغزی شده و فوت می کند، این حادثه همزمان با ورود او به عرصه تعلیم و تربیت (پایه اول) بوده. نامادری محمد که زنی مهربان و زجر کشیده ای بود، اذعان داشت، محمد در دوران کرونا به دلیل عدم برخورداری از گوشی هوشمند از آموزش مجازی هم محروم بوده است. طی مصاحبه با اولیاء ، مدیر و معلمان سال گذشته و بررسی پرونده تحصیلی دانش آموز و همچنین مستندات (پوشه کار سال قبل) به این نتیجه رسیدیم که موارد ذیل در بروز این مشکل بیشترین تأثیر را داشته اند:

۱- دیرآموز بودن دانش آموز

۲- عدم گذراندن دوره پیش دبستانی و دو زبانه بودن دانش آموز

۳- فوت ناگهانی مادر، در شرایط حساس تحصیلی (بدو ورود به کلاس اول)

۴- عدم توجه معلمان پایه های پایین تر به تفاوت های فردی و پیش نیازهای تحصیلی این دانش آموز

۵- عدم توجه خانواده به وضعیت آموزشی دانش آموز

۶- تعطیلی مدارس در شرایط کرونا، فقر مالی و عدم برخورداری از حداقل امکانات آموزش مجازی در شرایط کرونا

پس از ریشه یابی مشکل، رفتار دانش آموز را مورد مشاهده قرار دادم تا اطلاعاتم در مورد عملکرد آن کامل شده و بتوانم در راستای رفع این مشکل برنامه ریزی کرده و راه حل های مناسب جهت تقویت خواندن و نوشتن به صورت پایدار برای این دانش آموز ارائه دهم.

مشاهده رفتار دانش آموز:

در مشاهدات خود متوجه شدم دانش آموز به علت ضعف آموزشی که دارد انگیزه خود را در آموختن از دست داده و معمولاً هنگام تدریس یا چرت می زند یا خود را سرگرم فعالیت های غیردرسی کرده، و یا هاج و واج به اطرافش نگاه می کرد، در کلاس ساکت بود و هیچ حرفی و اظهار نظری نمی کرد. در ردیف وسط و صندلی آخر کلاس تنها نشسته بود، به علت ضعف آموزشی که داشت هیچ یک از دانش آموزان حاضر به نشستن کنار او نبودند. در زنگ های تفریح هم اصولاً تنها بود. در کارهای گروهی درسی شرکت نمی کرد، البته همکلاسی های او هم تمایلی به حضور او در گروه های خود نداشتند. موقع روخوانی درس توسط دیگر دانش آموزان معمولاً به اطرافش نگاه می کرد. زمان تدریس و موقعی که از بچه ها می خواستم، هر کدام به نوبت از روی درس بخوانند، هرچه به نوبت او نزدیک تر می شد احساس اضطراب و نگرانی را در چهره او بیشتر می دیدم. مدام به اطرافش نگاه می کرد، و معمولاً خط نداشت. وقتی بین میزها راه می رفتم با انگشت خط را به او نشان می دادم اما دوباره خطش را گم می کرد، و هراسان از میز جلوی یا کناریش می خواست خط را به او نشان دهند، و به این ترتیب کلاس دچار همهمه می شد. این نشان می داد که او حروف و کلمات را نمی شناسد و دامنه لغاتش محدود است. آزمون های تشخیصی که از این دانش آموز گرفتم، نشان داد جز چند حرف از حروف الفبای فارسی که یک شکلی بودند، مثل (د - ر - ز - س - ش - آ - پ - ن - و...) در تشخیص بقیه حروف به خصوص چند شکلی ها (ع - غ - و...) مشکل دارد، در زمینه ادراک دیداری (دقت و تمرکز) و تشخیص حروف مشابه مانند (خ - ح - ج - چ - ب - پ و...)، و همچنین در ترکیب صامت ها و مصوت ها (بخش خوانی و بخش نویسی) و ارزیابی حافظه شنیداری و توالی شنیداری دچار مشکل است. در آزمون املاء و درست نویسی کلمات هم به دلیل مشکلاتی که در خواندن داشت، اساساً با مشکل روبه رو بود.

در آزمون تشخیصی املاء ۶۰ کلمه که سعی شد، کلمات ساده و روان باشد، انتخاب شد که او فقط ۱۸ کلمه (۳۰ درصد) را درست و ۴۲ کلمه (۷۰ درصد) را اشتباه نوشته بود. از تحلیل املاء او متوجه شدم خطاها به ترتیب درصد در حافظه دیداری، شنیداری، دقت و نارسایی های آموزشی می باشد.

بررسی های به عمل آمده از مشاهدات میدانی و وضعیت عاطفی و آموزشی دانش آموز نشان داد.

* بیشترین خطاها مربوط به حافظه دیداری دانش آموز می باشد که طبق نظر کارشناسان تعلیم و تربیت بیش از ۷۰ درصد یادگیری از طریق این حافظه حاصل می شود.

* عدم تشخیص حروف چند شکلی و مشابه، همچنین عدم توانایی در ترکیب کردن صامت ها و مصوت ها

* جابه جا کردن حروف و هجاها در کلمه

* عدم اعتماد به نفس و کمبود انگیزه

* اشکال در حافظه شنیداری و عدم تلفظ درست برخی از کلمات (با توجه به دو زبانه بودن محمد)

* فقر عاطفی حاکی از فوت مادر و فقر فرهنگی و اقتصادی خانواده

* حذف مصوت ها (الف، ی)

* عدم تمرکز و دقت

* عدم توجه کافی همکاران به تفاوت های فردی این دانش آموز با توجه به حجم بالای کار و زمان محدود کلاس

* دیرآموز بودن دانش آموز

۴- تجزیه تحلیل اطلاعات (یافتن راه حل):

در پی مشاهدات و اطلاعاتی که جمع آوری شد، به این نتیجه رسیدیم که علت بروز حالت نامطلوب دانش آموز در عدم شناخت پیش نیازها، ترکیب حروف (بخش خوانی و بخش نویسی) و بطور کلی خواندن و نوشتن ریشه در ناتوانی دانش آموز در درک مفاهیم، عدم یادگیری مهارت خواندن و نوشتن به صورت پایدار، در پایه اول، عدم اعتماد به نفس و کمبود انگیزه، عدم تمرکز و دقت اشکال در حافظه دیداری و شنیداری می باشد که دلیل عدم اصلاح این وضعیت در پایه های پایین تر رها شدن وضعیت آموزشی دانش آموز توسط خانواده و عدم توجه کافی معلمان به تفاوت های فردی این دانش آموز بوده است. لذا می توان گفت در صورتی که برای این دانش آموز، از سوی معلم چاره ای اندیشیده نشود نتیجه ای جز از دست دادن زمان با ارزش یادگیری و تداوم این اختلال در طول زندگی برای وی نمی توان انتظار دیگری داشت.

کودکان دیرآموز یا مرزی دیر یاد می گیرند و زود فراموش می کنند و در یادگیری بسیار کندتر از همسالانشان می باشند. بیشتر آنان دچار اختلالات یادگیری و نارساخوانی هستند و نیاز به توجه بیشتر دارند. به نقل از مایکل باست و جانسون (۱۹۶۷) نارساخوانی را براساس برنامه های آموزشی به انواع مختلف طبقه بندی کردند.

نارساخوانی بینایی: اشکال در جهت یابی، تمیز اندازه و شکل، تشخیص کلمه به عنوان کل و به طور کلی اختلال در ادراک و حافظه بینایی که باعث عدم تمیز حروف، کلمات یا اشکال از یکدیگر می شود.

نارساخوانی شنوایی: عدم توانایی ارتباط بین شکل و صدای حروف و عدم توانایی ترکیب صداها و به طور کلی در پردازش شنیداری، توالی حافظه شنیداری، تحلیل صداها و ترکیب آنها برای ساخت کلمه مشکل دارند که با توجه به آنچه بیان شد و اطلاعات جمع آوری شده و نتایج تجزیه و تحلیل، نوع مشکلات خواندن و نوشتن این دانش آموز تا حد زیادی مشخص شد و راه حل های پیشنهادی باید در جهت تقویت حافظه دیداری و شنیداری، هماهنگی چشم و دست افزایش انگیزه، افزایش مدت زمان تمرکز و دقت، افزایش اعتماد به نفس، توالی دیداری و شنیداری صورت گیرد. و شامل تمرینات زیر می شد:

* استفاده از تمرینات افزایش دقت و تمرکز

* انجام تمرینات مربوط به شناخت بهتر حروف الفبا فارسی مخصوصاً حروف مشابه (خ - ج - چ - ب - پ و...)

* انجام تمرینات مربوط به تقویت حافظه دیداری و شنیداری

* استفاده از داستان خوانی و کلی خوانی (با استفاده از محتوای بسته های آموزشی پایه اول)

* آموزش صامت ها در مرحله اول و ترکیب آنها با مصوت ها جهت رسیدن به کلمه و در نهایت ساخت جمله

* استفاده از درسنامه ها و کاربرگ های معلم ساخته متناسب با توانایی ها و آموزش های ارائه شده طی دوره در راستای شناخت بهتر حروف و ساخت کلمه، جمله سازی و درک مطلب

* ایجاد انگیزه و تشویق دانش آموز در جهت تقویت یادگیری و ...

* استفاده از بازی و روش های خلاقانه جهت شناخت و تقویت یادگیری و ...

* آموزش هر چه جذاب تر، شناخت حروف، ساخت کلمات و ... از طریق رایانه در راستای افزایش و تسهیل فرایند یادگیری

تعریف دیر آموزی:

دیرآموزی در کودکان با بهره هوشی ما بین عقب ماندگی و هوش طبیعی (حدود ۷۰ تا ۸۵) گفته می شود که هیچ گونه نشانه جسمی یا ظاهری مشخصی ندارد اما در امور تحصیلی و فعالیت های پیچیده ذهنی دچار مشکلاتی هستند. کودکان دیرآموز یا مرزی دیر یاد می گیرند و زود فراموش می کنند. باید توجه داشته باشید که هر چند با برخی از بیماری ها مانند اوتیسم، اختلالات یادگیری و پیش فعالی تشابه دارد اما تشخیص یکسانی ندارند شیوع این مشکل در کودکان حدود ۶،۱۳ درصد است. برنامه های توانبخشی متعددی برای کمک به این دسته از دانش آموزان وجود دارد که متناسب با نیازهای آموزشی آنها طراحی می شود و کمک می کند بتوانند در سایر امور زندگی مستقل عمل کنند و موفق تر باشند و در آموزش نیاز به توجه بیشتر دارند. (سیف نراقی، مریم؛ بررسی وضعیت تحصیلی و عاطفی دانش آموزان دیرآموز).

۵- انتخاب راه حل و اعتبار بخشی :

وقتی مشکلی پیش می آید، اولین قدم جهت رفع مشکل، پیدا کردن علت یا علل به وجود آمدن مشکل است. مسئله ای که در این میان بسیار حائز اهمیت است، شناخت هر چه سریع تر مشکل و علل به وجود آمدن آن است. چرا که اگر مشکل اختلال یادگیری دانش آموز مورد نظر سریع تر بخصوص در پایه های اول و دوم شناسایی می شود، می توانستیم کمک زیادی به رشد و پیشرفت این دانش آموز و دانش آموزان مشابه آن داشته باشیم. علیرغم مشکلاتی که این گونه دانش آموزان در یادگیری دارند اگر تحت آموزش ویژه قرار گیرند به مهارت خواندن و نوشتن در حد پایه تحصیلی خود دست خواهند یافت. به طوری که پس از مشخص کردن دلایل و اجرای راه حل موقت و جمع آوری اطلاعات و شواهد (۲) در مورد دانش آموز مورد نظر متوجه شدم که وضعیت آموزشی او نسبت به گذشته در سطح مطلوب تری قرار گرفته و طی ارزشیابی عملکرد بهتری کسب کرد. در این پژوهش سعی شد آموزش همراه با شادی، نشاط و بازی، در ۸ الی ۱۰ دقیقه اول تدریس صورت گیرد، استفاده از رایانه، فلش کارت کلمات، انجام تمرینات هماهنگ کننده دست و چشم، تمرینات تعادلی، دادن واحد کار (کاربرگ های معلم ساخته) و ... از جمله مواردی بود که در اجرای این طرح مورد استفاده قرار گرفت.

۶- اجرای راه حل و نظارت:

بعد از جمع آوری اطلاعات و داده ها و آگاهی کافی از وضعیت موجود دانش آموز و کامل کردن تحقیقات و بررسی و انتخاب راه حل طی جلسه ای با کارشناس بالینی مرکز اختلالات یادگیری و سرگروه پایه اول شهرستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان در ارتباط با وضعیت آموزشی محمد، اجرای راهکارهای پیشنهادی را جهت رفع مشکل تأیید نمودند و با استفاده از نظر و تجربیات این همکاران تصمیم گرفتیم کار را از پایین ترین مرحله یعنی شناخت حروف آغاز کنیم. پس برای همراهی هرچه بیشتر محمد باید اعتماد به نفس و عزت نفس او را افزایش می دادیم.

مرحله اول: افزایش اعتماد به نفس: برای این کار رضا را که یکی از با اخلاق ترین و باهوش ترین دانش آموزان کلاس و عاشق تدریس بود، از برنامه و تصمیم در مورد محمد آگاه ساختم و از او خواستم در آموزش به محمد دستیار من و معلم دوم او باشد. او که عاشق شغل معلمی بود با این حرف ذوق زده شده و قبول کرد که پیش محمد بنشیند و هنگام تدریس درس حواسش به او باشد. اگر جایی نیاز به کمک داشت (در پیدا کردن خط و...) به او کمک کند، به این ترتیب مشکل مهمه و سر و صدایی که جهت پیدا کردن خط توسط محمد ایجاد می شد و همچنین اضطراب و سردرگمی او حل شد. حالا محمد کنار رضا باهوش ترین دانش آموز کلاس نشسته و این امر موجبات اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت را در او فراهم می کرد. حالا می توانستیم کار را شروع کنیم.

مرحله دوم: تقویت حافظ دیداری: به پیشنهاد مدیر مرکز اختلالات یادگیری شهرستان سعی کردم در کنار آموزش حروف الفبا و تأکید بر ترکیب صامت و مصوت ها در جهت رفع مشکلات آموزشی دانش آموز که از مشاهده رفتار او بدست آورده بودم، جلوگیری از یکنواختی تدریس، تقویت حافظه دیداری که ۷۰ درصد آموزش را در بر می گرفت، همچنین توجه به این نکته که بیشترین خطاهای آزمون تشخیصی دانش آموز مربوط به ضعف حافظه دیداری بود، افزایش دقت و تمرکز دانش آموز یک سری تمرینات را به صورت بازی انجام دهم. از جمله هر جلسه تصویری (تصاویر از کتاب باشگاه مغز کودکان انتخاب می شد) را روی پرده دیتا به محمد نشان می دادم و از او می خواستم چند دقیقه به آن تصویر نگاه کند. بعد آن تصویر را پنهان می کردم و از او می خواستم تصویر را در ذهنش تداعی کند (پرورش قوای ذهنی چون تفکر و تخیل) و سؤالاتی راجع به آن چه در تصویر دیده بود می پرسیدم. هر جلسه تصویر را سخت تر و تعداد سؤالات را بیشتر می کردم. تمرین دیگر این بود که کارت های مقوای رنگی آماده کرده و روی هر کدام کلمه ای نوشتیم، اما یکی از حروف یا دندانه های کلمه را جا می انداختم یا نقطه های آن را جابه جا می گذاشتم و از محمد می خواستم نقص کلمه را پیدا کند (در تمرینات از کلمات آموزش دیده استفاده می شد).

مرحله سوم: تقویت همزمان ادراک دیداری، شنیداری، دقت و تمرکز: تمریناتی جهت تقویت همزمان حافظه دیداری، شنیداری جهت هماهنگی بین دست و چشم، دقت و تمرکز، درگیر کردن سایر حواس، استفاده می کردم. مثلاً متنی متشکل از ۳ جمله ساده روی تخته می نوشتم، زیر برخی از کلمات را یک بار با ماژیک رنگی و برخی را دو بار و بعضی ها را سه بار خط می کشیدم در ادامه متن را که تقریباً کلمات در آن مدام تکرار می شد، برای دانش آموز یک بار می خواندم. بار دوم از دانش آموز می خواستم همزمان با من متن را بخواند. بار سوم از دانش آموز می خواستم خودش به تنهایی متن را بخواند اگر جایی مشکل داشت با او همخوانی می کردم، بار بعدی از او می خواستم با دقت بیشتری این متن را بخواند. و کلمات را بر اساس خطهایی که زیر آن ها کشیده شده است تکرار کند، او باید دقت می کرد که تعداد تکرار کلمات مطابق خط های زیر آن باشد و در پایان از او می خواستم کلمه ای را از متن به انتخاب خودش در هوا بنویسد. بعد از نوشتن برگردد و کلمه مورد نظر را نگاه کند آیا درست نوشته است؟ و یا کلمه را انتخاب کرده و پشت دست خود با نوک انگشت دست دیگرش بنویسد. گاهی هم خودم کلمات را بر پشت او می نوشتم و از این طریق حس لامسه او را نیز درگیر می کردم.

مرحله چهارم: استفاده از رایانه در آموزش و تقویت ادراکات: در تمرینی دیگر دو تصویر شبیه به هم را روی پرده دیتا به او نشان می دادم که در جزئیاتی با هم متفاوت بودند و از او می خواستم خوب نگاه کند و بعد از نگاه کردن تفاوتها و شباهت هایشان را بیان کند. مواقعی که زمان بیشتری برای آموزش داشتم تمرینات ترکیب (صامت و مصوت ها) و ساخت کلمه را بیشتر از روی پاورپوینت نشان می دادم که باعث شادی و نشاط، دقت در نگاه کردن و گوش کردن (مهارت های زبان آموزی) می شد. در نمونه ای دیگر بازی را به این ترتیب طراحی کرده بودم که در ابتدا تصویری را روی پرده نشان می دادم. او باید با دقت به تصویر نگاه می کرد و تعداد اشیاء داخل تصویر را به ذهنش می سپرد در مرحله بعد سؤالاتی از او می پرسیدم (چند پروانه در تصویر دیدی) برای پاسخ او باید از روی صفحه کلید یک شماره از ۱ تا ۹ را انتخاب می کرد (در پیدا کردن پاسخ به او کمک می کردم) با دادن پاسخ درست سیستم او را تشویق می کرد. در ادامه کلمه ای که حدس زده بود به صورت گسترده ظاهر می شد (وا - نه - پر) او باید تشخیص می داد هر بخش این کلمه در کدام قسمت باید قرار گیرد تا کلمه کامل شود و کامل شده کلمه را روی تابلو می نوشت. علاوه بر بخش خوانی از این بازی برای ترکیب کردن صامت و مصوت ها هم استفاده می کردم.

مرحله پنجم: تمرینات آموزشی، جسمی و حرکتی در راستای تقویت ادراکات: محمد در هنگام خواندن کلمات بعضی از حروف الفبا مثل مصوت (الف و ی) را جا می انداخت. برای رفع این مشکل او را نسبت به تعداد حروف تشکیل دهنده یک کلمه حساس کردم، به این ترتیب که یک بازی دو نفره طراحی کردم که در آن یک کلمه تجزیه می شد. بازی به این صورت بود که هر نفر کلمه ای را انتخاب می کرد و تعداد حروف آن را می شمرد و این حروف را جدا جدا می نوشت. سپس نفر دوم باید با یکی از حروف، کلمه ای می ساخت. این بازی بین دو نفر (نفر دوم معلم) ادامه پیدا می کرد تا تعداد حروف تمام شود و کسی که بیشترین کلمه را می نوشت برنده بازی بود، تعداد حروف تشکیل دهنده کلمه امتیاز محسوب می شد، این بازی در عین حال که بازی ساده و جذابی بود باعث تمرین و تکرار جهت شناخت بیشتر حروف الفبا، تقویت حافظه دیداری، برطرف شدن مشکلات خوانداری و درست نویسی به طور همزمان می شود. در کنار این تمرینات یک سری تمرینات جسمی، حرکتی که همکاران مرکز اختلالات برای تقویت حافظه دیداری و شنیداری پیشنهاد کرده بودند. از جمله تعقیب یک توپ آویزان که به سمت راست و چپ در حرکت است، بدون حرکت سر (تقویت حافظه دیداری) یا جهت تقویت حافظه شنیداری از صدای ضبط شده معلم، مدیر، سال گذشته، صدای ضبط شده همکلاسی هایش و ... استفاده می کردم. همچنین داستان هایی با متن کوتاه و لحن مناسب انتخاب و از گوشی موبایل پخش کرده و از او می خواستم خوب گوش دهد، در پایان سؤالاتی از او می پرسیدم یا از او می خواستم به صورت خلاصه داستان را با هدف افزایش توانایی تفکر و استدلال، صحبت کردن، به خاطر سپردن، سازماندهی کردن، درک و فهمیدن (مهارت های شناختی) برایم تعریف کند. این تمرینات برای او بسیار لذت بخش بود. جهت افزایش توانایی ساخت کلمه، جدول ترکیب حروف و صداها با کمک و راهنمایی معلم توسط دانش آموز نوشته می شد و بازی به این صورت بود که با استفاده از هجاهای ساخته شده کلمه بسازیم، هر کس کلمات بیشتری بسازد امتیاز بیشتری کسب می کند و برنده می شود و برای هیجان بیشتر به آن زمان می دادم. با تجهیزاتی محدودی که در اختیار داشتم

جهت افزایش انگیزه و به تبع آن افزایش مقدار زمان توجه و تمرکز سعی کردم از تمرین‌های مختلف و متنوع استفاده کنم. در روشی دیگر حروف الفبا را روی سنگ‌های رنگی نوشتم و از دانش آموز می‌خواستم با جستجو کردن حروف کلمه‌ای که من از او می‌خواهم را با کنار هم گذاشتن سنگ‌ها درست کند، سپس با آن کلمه جمله بسازد که این روش مورد علاقه دانش آموز قرار گرفت و از آن به عنوان یک بازی تشویقی و تقویت کننده استفاده می‌کردم.

مرحله ششم: داستان خوانی: جهت افزایش دقت و بازشناسی حروفی که در تشخیص آنها مشکل داشت از داستان خوانی استفاده کردم. به این ترتیب که یک متن یا قسمتی از یک داستان را، از کتب درسی انتخاب می‌کردم و این قانون را می‌گذاشتم که هر جا صدای (خ) شنیدی دست بزن هر جا صدای (ج) شنیدی پاهایت را به زمین بکوب و هر جا صدای (ب) شنیدی بشکن بزن و هر وقت صدای (ت) را شنیدی دست راست را روی کتف چپت بگذار. همچنین از محتوای بسته های آموزشی پایه اول بخصوص کتاب داستان های هر بسته جهت بهبود خودکارآمدی در خواندن، تلاش برای خواندن، افزایش حس کنجکاوی و کوشش برای خواندن، افزایش بهبود انگیزش برای آموزش به این دانش آموز استفاده کردم. ابتدا کتاب داستان را، آرام و شمرده می‌خواندم. بعد از دانش آموز می‌خواستم با توجه به تصاویر کتاب آن را بخواند (کلی خوانی) و در پایان سؤالاتی از متن می‌پرسیدم.

مرحله هفتم: تمرینات تشخیصی: تمرین دیگری که جهت تشخیص حروف مشابه استفاده کردم این بود که چند کلمه که پایان مشابهی دارند به دانش آموز داده می‌شد تا با تغییر حرف اول، آن کلمه را تغییر دهد و کلمه جدیدی بسازد. مانند (دار، سار، بار، خار، و...) یا کلماتی داده می‌شد که با تغییر حرف آخر آن کلمه جدیدی بدست می‌آمد. مانند (باز، باک، باش، بام و...) یا حرف وسط کلمه تغییر می‌کرد (بود، بید، بند، بود، و...). تکالیفی که به او می‌دادم متناسب با حروف و کلماتی بود که به او آموزش داده بودم. هرچه تعداد کلمات بیشتری یاد می‌گرفت بر دامنه لغاتش افزوده شده و علاقه و اشتیاقش برای یادگیری بیشتر می‌شد، کلمات و حروفی که در یک جلسه یاد می‌گرفت را در تمرینات جلسات بعدی با فاصله از طریق بازی با کلمات و حروف، طوری که حوصله‌اش سر نیاید دوباره تکرار می‌کردم تا یادگیری به صورت پایدار برای همیشه حاصل شود. به هیچ عنوان در آموزش به محمد تعجیل نمی‌کردم.

مرحله هشتم: ارزشیابی مستمر: در پایان هر هفته درسنامه‌ای (معلم ساخته) را برای این دانش آموز با توجه به حروف و کلماتی که در طول هفته یاد گرفته بود و بر اساس کتاب فارسی پایه اول طراحی می‌کردم. این درسنامه شامل سه حرف، شش کلمه و سه جمله ساده بود، از او می‌خواستم کلمات و جملات را همزمان هم بخواند و هم بنویسد و نهایتاً با آزمون املاء مشخص می‌شد یادگیری کامل صورت گرفته یا خیر، اگر یادگیری نشانه‌ها و کلمات آموزش داده شده در طول هفته برای او درونی شده بود، به سراغ نشانه‌ها و کلمات دیگر می‌رفتم، در غیر این صورت همان حروف را تا یادگیری پایدار با روش‌های متنوع تکرار می‌کردم. موقع گفتن املاء نکات کلیدی را به دانش آموز تذکر می‌دادم و کلماتی را که بیشتر فراموش می‌کرد در دو نسخه تهیه کرده یکی را در کلاس در معرض دید او می‌چسباندم و دیگری را به خانواده او داده تا در منزل جلوی دیدش قرار دهند. زمانی که خواندن و نوشتن این کلمات را به طور کامل یاد می‌گرفت با کلمات جدید تعویض می‌کردم.

مرحله نهم: تشویق و ایجاد انگیزه: در ابتدای کار به صورت کلامی دانش آموز را تشویق می‌کردم زمانی که پیشرفت بیشتری حاصل شد، جهت تشویق بیشتر او را نزد مدیر دبستان برده تا موفقیت‌هایش را نشان دهد. مدیر دبستان نیز علاوه بر تشویق کلامی و مادی با دادن مسئولیت (انتظامات سالن، عضویت در فوتبال مدرسه و ...) موجبات عزت نفس بیشتر را برای او فراهم کرد. زمانی که محمد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در خواندن پیدا کرد، هنگام تدریس کتب پایه پنجم از او می‌خواستم قسمت‌هایی از درس را که جملات ساده‌تری داشت برای همکلاسی‌هایش بخواند و خودم نیز او را همراهی می‌کردم. همکلاسی‌هایش وقتی پیشرفت او را دیدند نظرشان به او نسبت به قبل تغییر کرده و با تمایل او را در گروه‌های درسی خود شرکت دادند. این امر باعث افزایش هر چه بیشتر اعتماد به نفس در او شد، همچنین مدیر دبستان برای ایجاد انگیزه در همکاران، ۵ نمره از ارزشیابی پایان سال همکاران را منوط به فعالیت‌ها و میزان موفقیت همکاران در رفع اختلال خواندن و نوشتن دانش آموزانی مانند محمد قرار داده بود، حُسن توجه ایشان به این موضوع باعث ایجاد انگیزه هر چه بیشتر در من می‌شد. خانواده محمد نیز از پیشرفت روز افزون او بسیار خرسند بودند. طی تماس تلفنی که با اولیای او داشتم

اظهار کردند محمد بسیار خوشحال است و کلمه و جملات جدیدی را که می‌آموزد با اشتیاق برایشان می‌خواند و می‌نویسد. آنها اذعان داشتند خواندن و نوشتن محمد برای آنان مانند معجزه است و این باعث دلگرمی و توجه بیشتر خانواده به وضعیت آموزشی دانش آموز شده بود.

۷- شواهد (۲): توصیف وضع مطلوب :

پس از بررسی هایی که صورت گرفت و اطلاعاتی که جمع آوری شد و با بررسی دلایل بروز مشکلات خوانداری و نوشتاری این دانش آموز، از طریق تحلیل شاخص های کمی (پوشه کار و پرونده تحصیلی و ...) و کیفی (مصاحبه و مشاهده) متوجه شدم که بخشی از این مشکلات متوجه خود دانش آموز نبوده و در واقع تغییر شیوه و روش تدریس معلم و شکیبایی در آموزش به او و همچنین توجه بیشتر خانواده به وضعیت آموزشی دانش آموز می‌توانست انگیزه را در او ایجاد کند و دانش آموز را به تلاش برای یادگیری پایدار سوق دهد. لذا طی مشاهداتی که صورت گرفت متوجه شدم اشتباهات او که حاکی از اختلالات دیداری، شنیداری، دقت و ... به حداقل رسیده و در صورت اشتباه بلافاصله تصحیح می‌کند. دانش آموز حروف الفبا را شناخته و توانایی ترکیب و ساخت کلمه ها و درک معنای آن ها به منظور فهم مطالب را در حد قابل ملاحظه ای کسب کرده. در نتیجه اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و نظرات خود را بدون استرس و اضطراب بیان می‌کند. ارتباط مناسبی با همکلاسی هایش برقرار کرده و در فعالیت های درسی بیشتر از قبل شرکت می‌کند. حس مسئولیت پذیری او بیشتر شده و برای خواندن از روی درس داوطلب می‌شود. همچنین برای نوشتن املاء اشتیاق از خود نشان می‌دهد. از نظر عاطفی در محیط مدرسه و خانه تغییرات خوب و امیدوار کننده رخ داد و پیشرفت تحصیلی در حوزه خواندن و نوشتن برای این دانش آموز حاصل شد. وضعیت املاء او به این شرح (تعداد خطاهای املائی قبل از آموزش پایدار در شواهد (۱) ناشی از خطاهای حافظه ی دیداری، شنیداری، دقت و تمرکز، نارسا نویسی آموزشی به ترتیب ۶، ۷، ۱۲ و ۱۷ و بعد از آموزش پایدار در شواهد (۲) به ترتیب خطاهای املائی ذکر شده به ۲، ۲، ۳ و ۵ تغییر کرده بود.

۸- ارزیابی نهایی و اعتبار سنجی :

جهت رفع مشکل و رسیدن به سطح مطلوب یادگیری برای این دانش آموز از کتاب های مختلف در حوزه تعلیم و تربیت و اختلالات یادگیری و راهنمایی اساتید دانشگاه فرهنگیان، مشاوران مرکز اختلالات یادگیری، سرگروه های آموزشی پایه اول استفاده گردید و با عنایت خداوند متعال، اختلال در خواندن و نوشتن دانش آموز هدف بهبود یافت. در پایان کار داده های به دست آمده از جداول شواهد (۱) و (۲) را با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح خطای ۵٪ (مقایسه میانگین دو جامعه وابسته) آزمون کردم که آیا میانگین خطاهای املاء دانش آموز قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری داشته است یا خیر؟

$$\begin{cases} 0 < L < U \\ \alpha < \text{siq} \end{cases}$$

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

که داده های آماری بعد از تحلیل، میانگین خطاهای قبل از آموزش ۱۰/۵۰ و بعد از آموزش را ۳/۰۰ نشان داد. پس فرض $H_0: \mu_1 = \mu_2$ و برابری میانگین های دو جامعه رد و فرض $H_1: \mu_1 \neq \mu_2$ تفاوت میانگین دو جامعه پذیرفته می‌شود و انحراف معیار یا خطای استاندارد جامعه قبل ۵/۶۶ و جامعه بعد ۱/۴۱۴ را نشان می‌دهد که بیانگر تفاوت معنا دار بین دو جامعه قبل و بعد از آموزش می‌باشد (یعنی آموزش در رفع اختلال خواندن و نوشتن این دانش آموز مؤثر بوده است).

۹- نتیجه گیری و پیشنهادات :

تفاوت‌های فردی دانش آموزان که حاکی از وجود تفاوت در توانایی‌های آنان است، از مهم‌ترین اصول و مواردی است که همیشه باید در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. از جمله توانایی‌های متفاوت کودکان که موجب تفاوت عمده بین عملکرد آنان می‌شود، توانایی‌های شناختی از جمله هوش است که میزان آن در همه افراد یکسان نیست، لذا باید به آنها توجه خاصی مبذول شود، زیرا نوع و سرعت آموزش باید با توانمندی‌های شناختی دانش آموزان هماهنگ باشد که اگر این مسئله در آموزش به درستی درک نشود چه بسا زمان با ارزش یادگیری برای همیشه از دست می‌رود، همچنین می‌توان گفت این کودکان در اثر شکست‌های زیادی که در مدرسه تجربه می‌کنند، تحملشان در برابر ناکامی کاهش یافته و دچار اضطراب و نگرانی، گوشه‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه، اعتماد به نفس پایین و وابستگی به دیگران می‌شوند. در نتیجه انگیزه و رغبت به یادگیری را از دست می‌دهند و به تدریج از همسالان خود عقب و عقب‌تر می‌مانند و این وظیفه بر عهده کادر آموزشی به خصوص معلمان کلاس می‌باشد که متأسفانه در برخی از موارد به علت جمعیت زیاد کلاس‌های دانش‌آموزی، تلاش معلمان عزیز برای رسیدن به بودجه‌بندی کتاب‌های درسی، عدم آگاهی و تخصص در حوزه اختلالات یادگیری و ... این دانش آموزان نادیده گرفته می‌شوند. متأسفانه با توجه به شیوع کرونا در سه سال گذشته و آموزش ترکیبی (نیمه حضوری و مجازی) بر تعداد این دانش‌آموزان افزوده شده است. پس می‌تواند دست اندرکاران و کارگزاران سازمان با تشویق و توانمندسازی معلمان و استفاده از تمام ظرفیت‌های آموزش و پرورش در جهت رفع این مشکل گام بردارند تا عدالت آموزشی برای همه دانش آموزان برقرار شود. همچنین معلمان با سعه صدر بیشتری با توجه به کند بودن روند یادگیری این دانش‌آموزان به آموزش آنان بپردازند. در این میان نباید از تأثیر آموزش پیش دبستانی غافل شد زیرا نه تنها بر عملکرد تحصیلی کودکان بلکه بر تمام جنبه‌های شخصیتی، عاطفی، شناختی و خصوصاً رشد زبان و گفتار تأثیر می‌گذارد. یکی از راه‌حل‌های استفاده شده در این تحقیق تقویت ادراک دیداری و شنیداری بود که الهام السادات ناجی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که استفاده از تمرینات مختلف حافظه دیداری و شنیداری در طول جلسات آموزشی منجر به ارتقای حافظه فعال کودکان در هر دو بعد دیداری و شنیداری شده‌اند. بنابراین ارزیابی اقدامات انجام شده حاکی از تأثیر قابل ملاحظه راه‌حل‌ها در فرایند رفع مشکل خواندن و نوشتن این دانش‌آموز بود. راه‌حل دیگری که مورد استفاده قرار داد شناخت حروف، ترکیب، ساخت کلمه و ... با استفاده از بازی‌های متنوع بود، که مطابق با تحقیق سید محمد اصغری نکاح و فاطمه بورکر با عنوان بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر بازی‌های زبانشناختی بر رشد آگاهی واج‌شناسی کودکان با مشکلات ویژه نشان داد کودکانی که بازی‌های زبان‌شناختی را دریافت کرده بودند در مقایسه با دیگر دانش‌آموزان در آزمون پیشرفت معناداری داشتند و حکایت از آن دارد که ارائه برنامه‌های آموزشی در قالب بازی‌های زبان‌شناختی می‌تواند موجب افزایش آگاهی واج‌شناختی کودکان شود همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش واژه‌ها و ترکیب، ساخت کلمه، جمله‌سازی از طریق بازی در رفع مشکل خواندن و نوشتن دانش‌آموز مورد هدف مؤثر بوده است. یکی دیگر از راه‌حل‌ها استفاده از رایانه و بازی‌های رایانه‌ای در آموزش و تقویت ادراکات بود، که آزاده حقیقت پناه و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان اثربخشی کاربردهای رایانه‌ای بر خلاقیت ادراکات فضایی کودکان، که یافته‌های پژوهش نشان داد بازی‌های رایانه‌ای بر خلاقیت و تقویت ادراکات مؤثر است. این یافته‌ها با یافته‌های تهرانی (۱۳۹۲) همسو بود. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد بازی‌های رایانه‌ای در آموزش و تقویت ادراکات تأثیر معناداری داشت. داستان خوانی نیز یکی دیگر از راه‌حل‌های بکارگرفته بود که آیدا یحیی زاده و حسین خانزاده (۱۳۹۹) در پژوهش خود دریافتند آموزش راهبردی داستان خوانی می‌تواند به عنوان یک برنامه آموزشی کارآمد در جهت حل مشکلات دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد. در تحقیق حاضر نیز با به کارگیری این روش به نتیجه رسیدیم. راه‌حل بکاررفته دیگر تمرینات آموزشی و جسمی حرکتی در تقویت ادراکات بود که طبق تحقیقات مریم سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸) از یافته‌های این تحقیق استنباط شد که تمرین‌های ادراکی - حرکتی سبب بهبود اختلال یادگیری می‌شود که برای افزایش آمادگی جسمی - حرکتی دانش‌آموزان در مدارس و در نتیجه بهبود اختلال یادگیری برنامه‌های تمرینی ادراکی، جسمی - حرکتی اجرا شود. نتایج پژوهش حاضر با این پژوهش همسو می‌باشد.

پیشنهادات:

- ✓ تأکید و حمایت از دوره پیش دبستانی به دلیل اهمیت این دوره بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان به خصوص در مدارس دوزبانه
- ✓ ارتباط هرچه بیشتر میان مشاوران مرکز اختلالات یادگیری و مدارس طی برگزاری جلسات آموزشی و نشان دادن راه و روش مناسب به معلمان در آموزش و برخورد با این گونه دانش آموزان
- ✓ تدوین محتوای آموزشی مناسب برای دانش آموزان دارای اختلال یادگیری
- ✓ موقع آموزش به این دانش آموزان مراقب باشیم به آنان برچسب نزنیم.
- ✓ استفاده از روش های علمی به صورت بازی می تواند در تسریع فرایند یادگیری، یاد دهی و بهبود این گونه اختلالات مثر ثمر باشد.
- ✓ در ارائه تکالیف به تفاوت های فردی و توانایی های ذهنی این نوع دانش آموزان توجه شود.
- ✓ جهت ایجاد انگیزه و رغبت بیشتر، معلمانی که در این راه تلاش و کوشش می کنند مورد تشویق قرار گیرند.
- ✓ عدم ارتقاء دانش آموزان پایه اول که دچار اختلال یادگیری هستند به کلاس بالاتر جهت جلوگیری از افت تحصیلی و ... در پایه های بالاتر
- ✓ افزایش زمان دوره های طرح تثبیت و استمرار آموزش برای این گونه دانش آموزان جهت ایجاد یاد گیری مستمر
- ✓ شکیبایی معلمان در آموزش به این دسته از دانش آموزان با توجه به عملکرد کند آنان و استفاده از روش های نوین آموزشی
- ✓ مجموعه کارهای اقدام پژوهی به صورت مجله یا کتابی در اختیار مدارس قرار بگیرد تا سایر همکاران از نتایج آن جهت آموزش به این نوع دانش آموزان استفاده کنند.

منابع :

- بهاری قره گوز، علی و هاشمی، تورج (۱۳۹۲)؛ بررسی میزان شیوع مشکلات ویژه یادگیری در دانش آموزان مقطع ابتدایی آذربایجان شرقی، انتشارات دانشگاه تبریز
- تبریزی، مصطفی (۱۳۹۳)؛ درمان اختلال در خواندن، انتشارات گفتمان خلاق، چاپ آرمین، چاپ اول
- حقیقت پناه، آزاده و مقدم، کاوه (۱۳۹۸)؛ اثر بخشی کاربرد زبان های رایانه ای بر خلاقیت و ادراک فضایی کودکان، فصلنامه علمی، اندیشه های نوین علمی
- رحیمیان، بوگر اسحاق و صادقی، احمد (۱۳۸۵)؛ شیوع اختلال خواندن در دانش آموزان دبستانی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهرضا
- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت الله (۱۳۸۸)؛ نارسایی های ویژه در یادگیری، موسسه انتشاراتی مکیال
- شریفی، علی اکبر و داوودی، رقیه (۱۳۹۸)؛ شیوع اختلالات خواندن در دانش آموزان پایه سوم، چهارم ابتدایی، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی
- کلانتری، مهرداد و بدیعیان، سرور (۱۳۸۱)؛ بررسی میزان شیوع اختلال خواندن و نوشتن در دبستان های دو زبانه و تک زبانه
- ناجی، الهام السادات و همکاران (۱۳۹۸)؛ اثر بخشی برنامه آموزشی حافظه فعال شنیداری و دیداری در دانش آموزان نارسا
- یحیی زاده، آیدا و خانزاده، حسین (۱۳۹۹)؛ اثر بخشی داستان خوانی بر افزایش خواندن دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری

پیوست ها :

کلمات آزمون شده در شواهد (۱) و شواهد (۲)

بازی - پنبه - گندم - آبادان - امام - اتاق - خواهر - مسواک - بهترین - کتاب - ساعت - نام - آدم - کیف - زنبور - مادر - ماشین - درخت - در - پرده - ژاله - بزرگ - آردک - پرچم - خانه - پلو - گرگ - چرخ - دنبال - فرش - خروس - همیشه - تراش - کلاس - مدیر - مداد - ایران - چادر - برادر - قرآن - لباس - امید - کشور - دوست - جوجه - فرشته - چای - عروسک - ابر - روشن - زیبا - بادام - سیب - شتر - تاب - کباب - دندان - ماهی - آتش - جغد

درسنامه هفتگی

جدول ترکیب	اَ - اِ - اُ	اِ - اِ - اِ	اَ - اِ - اُ	او و	ای-یی ای
س - س					س - س
م - م					م - م
ت - ت					ت - ت

کلمات

سوسن	دوست	بیمار
بادام	ساری	ترانه

جمله ها

سوسن در ساری بیمار بود.
 سینا در سبد بادام دارد.
 ترانه امام را دوست دارد.